**برگی از تاریخ جنبش کارگری**

**وضعیت کارگران پتروگراد در زمان انقلاب اکتبر**

پتروگراد یک مرکز اقتصادی روسیه بود، اما درمقایسه حجم صنعت فرانسه 2.5، انگلیس 4.6، وآلمان شش برابر روسیه صنعتی بودند و درآمد سرانه واقعی روسیه نصف آلمان بود. دو سوم جمعیت در کشاورزی مشغول به کار بودند و 45% درآمد کشور از آن می آمد. درآمدن حاصل از صنعت و معدن تنها 20% درآمد ملی را تشکیل می داد و 3.3 میلیون نفر از جمعیت را شامل بود. بیش ترین تولید صنعتی در پتروگراد بود که مرکز اقتصادی بانکی و مالی روسیه بود و صنایع فلزی و ذغال جنوب، صنایع نفت باکو، طلای سیبری، شکرجنوب غربی، پنبه ترکمنستان و کشتی رانی ولگا را تحت کنترل خود داشت. بسیاری از سرمایه بانک های مالی و صنایع روسیه خارجی بود که میزان آن در صنعت معدن 90 % کل سرمایه گذاری، در متال 42% ، شیمی 50% بود. یک سوم کل سرمایه گذاری ها را فرانسه و 23% را انگلیس و 20% را آلمان، 14% را بلژیک و 16% را آمریکا در اختیار داشت.

 150 سندیکا در روسیه وجود داشت که شامل سندیکای کارگران متال، کشاورزی، صنایع سبک مثل نساجی بود. در سال 1917 تعداد 60 عدد از مزارع بزرگ در سندیکاها متشکل بودند. 31 شرکت تحت تملک و کنترل دولت در پتروگراد قرار داشت که مجموعا 134.464 نفر کارگر داشتند که یک سوم کل کارگران پتروگراد بود. تنها در سه مرکز صنعتی پتروگراد 53000 هزار کارگر مشعول به کار بودند. شرکت های دیگری هم بودند که مالکیت شان بدولت تعلق نداشت اما توسط دولت کنترل می شدند. به طور مثال شرکت زیمنس آلمان که 35% سهامش به دولت تعلق داشت و یا کارخانه ی یوتیلف با 30.000 کارگر. صنایع پتروگراد تکنولوژی پیشرفته داشتند و در سطح بالا مکانیزه بودند. صنعتی سازی در پتروگراد از 1890 شروع شد و دست مزد کارگرانش به نسبت سایر نقاط بالاتر بود. قیمت واحد کالا اما به دلیل قیمت مواد بالاتردر می آمد. در فاصله رونق 1907- 13 خط آهن برای حمل و نقل کالا در پتروگراد کشیده شد و در فاصله 1890-1914 شمار کارگران پتروگراد از 72.200 نفر به 242.000، سپس از 1914-17 به 417.000 نفر رسید که 12% کل کارگران صنعتی روسیه را تشکیل می داد. در همین سال دوباره 10% رشد کرد اما زیر بخش عمده صنایع فلزی در خدمت جنگ(جنگ جهانی اول) قرار گرفت. رشد نیروی کار در صنایع فلزی 135%، شیمی 99% و پوشاک 44% بود. شمار کارگران صنایع فلزی از یک سوم در سال 1908 به دو سوم در 1917 رسید.

در سال 1914، 54% کارگران روسیه در کارخانه هایی با بیش از 500 کارگر کار می کردند. متوسط کارگران در یک کارخانه 409 نفر بود. در پتروگراد 70% کارگران در کارخانه های بالای هزار نفر کار می کردند که دو سوم کارگران در 38 کارخانه بزرگ با بیش از 2000 کارگر مشغول کار بودند. 86% کارگران در شهر یا حاشیه شهر زندگی می کردند. تراکم جمعیت در مناطق کارگر نشین دو تا چهار برابر مناطق دیگر بود. به طور متوسط 4،1 نفردر یک اتاق اجاره ای زندگی می کردند. بعضی نقاط تا 5 نفر بود. در سال 1908 تنها 25% کارگران قادر به اجاره یک آپارتمان با یک یا دو اتاق بودند. اجاره خانه در پتروگراد گران ترین قیمت را در اروپا داشت که برای هر اتاق بین 100 تا 300 روبل در ماه می شد. بعد از سال 1914 کرایه ها 30% بالا رفت.

**کارگران کشاورزی**

گذشته از کارگران صنعتی و صنعتگران، دو گروه دیگر هم در پتروگراد بودند. دهقانانی که به دلیل فقر از روستاها به شهر آمدند و در کارخانه ها مشغول به کار شدند و معمولا در حاشیه شهرها زندگی می کردند. گروه دوم کادرهایی بودند که در کارخانه ها کار می کردند. این ها یا دهقانانی بودند که به خاطر این که با کشاورزی قطع رابطه کرده و سال ها در کارخانه ها کار می کردند پرولتریزه شده بودند، یا آن هایی که در خانواده های کارگری به دنیا آمده بودند. درجه ی مشارکت نیروی کار در مبارزات اجتماعی بسته به این بود که کدامین گروه یاد شده در بالا بین کارگران بیشتربود. در سال 1900 تعداد 908.800 دهقان کارگر در پتروگراد زندگی می کردند که 21% شان در آن جا به دنیا آمده بودند. تعدادشان ده سال بعد یعنی در 1910 به 1.300.000 نفر رسید که 25% آن بیش از ده سال در آن جا ساکن بودند. آن هایی که با روستا ارتباط شان را حفظ کرده بودند، مواد از روستا می آوردند و دهقان کارگر بودند که با دونوع تولید ارتباط داشتند زیرا والدین شان در روستا زندگی می کردند.

**زنان کارگر**

در پتروگراد بخش بزرگی از زنان در استخدام کارخانه ها بودند. در سال 1917 شمار زنان کارگر 129.800 نفر بود، بعلاوه 83.000 نفربعنوان خدمتکار، 50.000 نفردر ادارات، و همین حدود در مغازه ها کار می کردند. بخش دیگری از زنان در کار تجارت پوشاک در مغازه ها یا مغازه های غیر قانونی مشغول بودند. همراه با جنگ فرصت های جدیدی برای کار زنان فراهم شد در نتیجه سهم زنان در کارخانه ها از 25.6% سال 1913 به 33.3% سال 1917 رسید و طی دوران جنگ افزایش بیش تری یافت و به 43.2% در کل صنایع روسیه رسید. کارخانه های نساجی و پوشاک به طور تیپیک زنانه بود. در 1900 مشارکت زنان در آن 56% بود، در 1913 به 68% و در 1917 به 69% رسید. یک بازرس در سال 1906 گزارش می دهد که صاحبان کارخانه ها کارگران زن را بر مردان ترجیح می دهند، زیرا به نظرشان آن ها قانع تر و صبورتر و ثابت قدم تر هستند و دست مزدشان کم تر از مردان است. در گزارش سال بعد عدم نوشیدن مشروبات الکلی و نکشیدن سیگار، انطباق پذیری و منطقی بودن در رابطه با دست مزد به لیست اضافه شد. این کارگران معمولا جوان بودند. در سال 1918، 18% زنان کارگر تا 17 یا کم تر ساله بودند، 17% بین 18 تا 20 ساله، 28% بین 21 تا 30 ساله بودند. زنان بالای 40 سال تنها 19% کارگران را تشکیل می دادند. 23% زنان کارگر ازدواج کرده بودند در حالی که این نسبت برای مردان 70% بود. اکثریت زنان در رده ی کاری یا غیر ماهر بودند یا مهارت کمی داشتند در حالی که پست های با مهارت به کارگران مرد اختصاص داشت. زنان بیشتر در صنایع فلزی یا پوشاک کار می کردند، اما در هر صورت آن ها یک اقلیت در نیروی کار بودند. در سال 1917 زنان 2،7% کارگران را تشکیل می داد این نسبت در سال 1917 به 20،3% رسید. زنان در کارخانه های با تولید انبوه کار می کردند: 18000 نفر در شیمی، 10.000 نفر در تولید لاستیکی مثل گالش تا ماسک گاز.

بعد خانوار در طبقه کارگر از از دهقانان کوچک تر بود. شواهد و مدارک نشان می دهد که اکثریت زنان کارگرمجرد بودند. بسیاری از این کارگران از اطراف شهر می آمدند و کار برای شان استقلال اقتصادی می آورد. اکثریت ازدواج کرده ها از طبقه ی کارگر بودند و علاوه بر کار خانگی کار بیرون هم می کردند. اهمیت زنان در طبقه ی کارگر از خانواده دهقانی بیش تر بود. تقسیم کار متعادل تری در خانه بین زن و مرد وجود داشت ولی بازهم مراقبت از کودکان کار زنان بود. آ. الینا نقل می کند از زنان کارگر که: پایان کار در کارخانه برای زنان به معنای آزادی و استراحت نبود . در حالی که کارگر مرد برای دیدار دوستی یا قدم زدن، بازی بیلیارد یا شرکت در اجتماعی می رفت، برای زنان تازه کار خانگی یعنی پخت و پز، شستشو و غیره شروع می شد و بندرت شوهرش به او کمک می کرد زیرا فکر می کردند که برای مرد تحقیر آمیز است که کار زنان را انجام دهند. می گفتند چه مریض باشند و چه خسته و فرسوده، کار خودشان را انجام می دهند. مردان به ندرت در تمکین به کمک به زن در کارهای خانه و بچه داری را تحمل می کردند.

در سال 1922 یک نظرسنجی در رابطه با 76 خانواده شهری نشان می دهد که زمان سپری شده برای انجام کار خانگی، اگر این کار به عنوان کار اجتماعی به حساب می آمد، 7.235.000 نفر روزانه 8 ساعت می بایستی خدمت کنند. و در سال به 365 ضربدر 8 ساعت کار روزانه یک مرد++++++++

در سال 1913 دست مزد این کار خانگی به رقم 1.302 میلیون روبل برای یک سال بود. در طی جنگ اول 8% کارگران کارخانه ها 15 تا 17 ساله بودند. 2000 کودک 12- 15 ساله هم در کارخانه های سرامیک و شیشه کار می کردند. در دوره جنگ شمار کارگران جوان بالا رفت. در پتروگراد 12.7% در مواد غذایی 11.8%، در صنعت چرم 10.7% در صنایع فلزی 6.4% و در شیمی 6.5% کارگران جوان بودند. در سال 1900 در پترزبورگ 23% نیروی کار 16-20 ساله و 52% بین 21-40 ساله و 12% در سنین بالای 40 بودند.

**کارگران ماهر وغیر ماهر:**

کارگران غیر ماهر دهقانان کارگر شده و کارگران تازه کار بودند. تفاوت بین این دو به عامل اساسی تفاوت ساختاری در طبقه کارگر منجر شد. در تعریف گفته می شد کارگران ماهر کیفیت بهتر کار، دقت، مهارت و اعمال ذهنی بیش تر از غیر ماهرداشتند. آنها اغلب در مبارزات کارگری جلوتر بودند، دست مزدهای شان هم بالاتر بود. در سازمان های کارگری هم اینان نقش کنترل کننده و رهبری داشتند. با مکانیزه شدن بیش تر صنعت این وضعیت تغییر کرد و از قدرت کار به قدرت دستگاه و مواد تبدیل شد و بهره وری کار مهم شد. صنایع بزرگ پتروگراد یعنی صنایع فلزی هنوز به کارگران ماهر وابسته بود و هنوز تکنیک حرف اول را نمی زد. در 1917 صنعت متال در حال گذر به مرحله دوم بود یعنی صنعت متکی به ماشین آلات و اتوماسیون نه به قدرت بدنی کارگران. به همین سبب کارگران ماهر پتروگراد نقش مرکزی در انقلاب داشتند آن ها از نقش مرکزی اتحادیه ها در اروپا خیلی دور بودند. هم چنین از تولید انبوه با روش تایلری و فوردیسم. کارگران ماهر متال پتروگراد بی شباهت به کارگران شوارتسکوف برلین یا فیات تورین نبودند بلکه قدری متفاوت بودند. طبق سنت روسی کارگران متال، بخش مهمی از آن ها از خانواده های کارگران روستایی می آمدند. آن ها در کارخانه هایی کار می کردند که بر پایه کارگاه های کوچک رشد نکرده بود بلکه از آغاز دارای کار پیشرفته بوند برخلاف مهندسی انگلیسی، از شیوه ی استاد شاگردی و از شیوۀ عرف و عمل ی تجربه و خظا نیاموخته بودند. در قرن 19 کارگران روسیه دو دسته بودند: کارگران و صنعتگران. تفاوت بین آن ها در دیدن دوره آموزشی، مهارت و دانش بود. کارگر ماهر می توانست دستگاه ها را بسازد؛ نقشه بریزد؛ چگونگی کار دستگاه های پیچیده را می دانست؛ نقشه کشی و دیزاین این ماشین ها را بلد بود و . . . . مهارت در جمع کارگران ماهر نسبی بود. بعضی ها مهارت بالا و بعضی کم تری داشتند. بسیاری از کارگران ماهر پتروگراد در جنگ اول جهانی از دست رفتند. جایشان با کارگرانی از بخش های دیگر با مهارت کم تر ( 17%) و 12% را کارگران زن غیر ماهر پر کردند.

در آگوست 1918 تعداد 21.792 کارگر در کارخانه های با بالای 500 کارگر کار می کردند. از این تعداد 22.7% مهارت سطح بالا، 23% ماهر، 21.1% نیمه ماهر و 29% غیر ماهر بودند. مهارت در کارخانه های پوشاک از کارخانه ها متال متفاوت بود. در صنعت پوشاک تعداد کمی کارگر ماهر(6%) وجود داشت، بخش بزرگی از کارگران نیمه ماهر(72%) و بخش کوچکی (29%) بدون مهارت بودند. در صنعت چاپ 19.400 نفر کار می کردند که 6% نیروی کار صنعتی بودند. در زمان جنگ تعداد کارگران این بخش به 3.000 نفر تقلیل یافت در مقابل سهم زنان در این صنعت از 26 به 35% رسید. همه این مراکز اعم از بزرگ، متوسط مکانیزه بودند اما در کارگاه های کوچک کارها با دست انجام می شد. کار در این صنعت بیش تر کار صنعتگری بود.

درصد کوچکی از کل کارگران مزد سطح بالا دریافت می کردند که شامل کارگران نفت، بخش کوچکی از کارگران قطارها بود که دستمزدشان بین 240 و 300 روبل بود اما متوسط دست مزد ماهانه سایر کارگران 46.7 روبل در ماه بود. با وجود این نمی توان به دلیل تعداد بسیار کم آن ها از یک اریستوکراسی کارگری حرف زد. در سال 1900، 70% جمعیت پتروگراد باسواد بودند که در 1920 به 80% رسید اما در کل کشور 17% جمعیت روستایی و 45% مردم شهرنشین باسواد بودند. درصد باسوادی در مردان 42% و زنان 25% بود. سواد به جنس و سن بستگی داشت. در سنین بالای 50 سال با سوادی زنان 1% و مردان 54% بود. سه عامل سن، جنس و مهارت طبقه ی کارگر را تقسیم می کرد. تفاوت اجتماعی بین طبقه کارگر صنعتی روسیه از اروپا بالاتر بود. در پتروگراد تا 1914 این تفاوت خیلی مهم بود: تفاوت بین طبقه کارگر صنعتی و کارگرانی که تازه از روستا آمده بودند؛ تفاوت بین کارگران ماهر و کارگران ساده؛ تفاوت بین کارگران مرد و کارگران زن؛ تفاوت بین کارگران جوان و مسن.

این تقسیم بر اساس سن و جنس و مهارت در طبقه ی کارگرهر یک استقلال خود را داشت. در یک طرف کارگران کشاورزی، کارگران جوان تازه وارد صنعت شده و زنان کارگر و در طرف دیگر کارگران ماهر، پرولترشده ها و کارگران مرد بالای 20 سال سن قرار داشتند. وابستگی این دو گروه به جنبش سازمان یافته ی کارگری و به سیاست متفاوت بود 1917. بخش عظیمی از هردو گروه در سال 1917 رشد آگاهی انقلابی اما در شکل متفاوت پیدا کردند. برخلاف اروپائیان، دموکراسی پارلمان در داخل اتوکراسی تزاری آن توانایی که هژمونی خود را در طبقه ی کارگر بگستراند نداشت بلکه ارتباطش بر اساس زور و ترس بود.

قبل از سال 1917 وضعیت کارخانه های پتروگراد خراب بود. دسترسی شان به استانداردها، وسایل بهداشتی و ایمنی کم بود. آتش سوزی در کارخانه ها کارگران را می کشت. ساعات کار روزانه 10 ساعت و در صنعت پوشاک و متال و چرم طولانی تر بود. دوسوم دستمزد خانواده کارگری صرف پوشاک و صرف غذا می شد. طی جنگ دست مزدها افزایش سریع یافت به نحوی که متوسط آن در شهر از 257 روبل در 1913 به 478 روبل در 1916 رسید. متوسط دست مزد در پتروگراد از بقیه نقاط حتی مسکو بالاتر بود. اما وضع کارگران با دست مزد پایین به ویژه زنان، دختران و پسران جوان نسبت به بقیه کم بود؛ به طور مثال دست مزد زنان در صنعت متال نسب به مردان کارگر 40 به 105 روبل بود. سال اول جنگ که تب جنگ بالا بود، اعتصاب کم بود اما بعد از یک اعتصاب موفق در جولای 1915 اعتصاب رونق گرفت. خبر کشتار کارگران پوشاک باعث یک سلسله اعتصاب دیگر شد. اعتصابات اقتصادی در سال 1916 در هر ماه جریان داشت. در شش هفته اول سال 1917 کم کاری رایج شد. افزایش نرخ اعتصابات اقتصادی نشان ورود کارگران کارخانه های کوچک به اعتصاب بود.

انقلاب فوریه سبب ایجاد قدرت دوگانه شد. در پتروگراد حکومت رسمی و شوراهای کارگران و سربازان آن را نشان می داد اما در جاهای دیگر این طور نبود. خواست 8 ساعت کار روزانه که در سال 1905 شکست خورده بود به خواست فوری کارگران تبدیل شد که دلیلش رشد سریع آگاهی به خاطر شرایط روز بود.

فریده ثابتی، فوریه 2023 / بهمن 1401

منبع: Institute für Zeitgeschichte